



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

چنگ در چشمان دشمن، زانوان بر سینه‌اش!

رزا لوکزامبورگ

ترجمه‌ی: کمال خسروی



دی ماه 1397

15 ژانویه 2019

یادداشت مترجم: امروز، پانزدهم ژانویه، صدمین سالگرد قتل جبونانه‌ی رزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت به‌دستان آلوده‌ی اوباش فاشیست و گماشتگان سرمایه و رژیم ستم و سرکوب و شکنجه است. به‌یاد این انقلابیون رزمنده و آزادیخواه، ترجمه‌ی **بند پنجم** از نوشته‌ی رزا لوکزامبورگ زیر عنوان «**آنچه اتحاد اسپارتاکوس می‌خواهد**» را، که نخستین بار به‌عنوان پیش‌نویس برنامه‌ی حزب کمونیست آلمان در سال 1918 در نشریه‌ی «پرچم سرخ» انتشار یافت، به خوانندگان «نقد» تقدیم می‌کنم.

شعار و عنوان بالا که جمله‌ی پایانی برنامه‌ی **اتحاد اسپارتاکوس** است، کمتر در گفتاوردها از رزا لوکزامبورگ دیده می‌شود. آوازه‌ی رزا لوکزامبورگ، پای‌بندی استوار اوست به آزادی و به جدایی‌ناپذیری دموکراسی و سوسیالیسم، به دفاع جانانه‌اش، به معنای دقیق کلمه، از آزادی اندیشه‌و بیان دگراندیشان. پنداشته می‌شود، این جمله فراخوانی است به خشونت علیه دشمنان، و سازگار نیست با آوازه‌ی او. به‌نظر من، این جمله، تنها سازش‌ناپذیری سرسختانه و دلیرانه‌ی زنی است آزادیخواه در مبارزه علیه روابط سلطه و استثمار و عزم راسخ او برای درهم‌شکستن بازگشت‌ناپذیر سازوکار اجتماعی مبتنی بر سلطه و استثمار و به زانودرآوردن قدرت سیاسی بانی و پاسدار آن. نه تنها ناسازگاری و تناقضی میان این دو خواسته نیست، بلکه تنها در هم آوایی و توأمانی آنهاست که می‌توان از سقوط به پرتگاه‌های دیکتاتوری حزبی از یک سو و مماشات و سازش‌طلبی با حاکمیت ستم و استثمار و ایدئولوژی بورژوازی، از سوی دیگر، پرهیز کرد. (ک.خ.)

V

اتحاد اسپارتاکوس، از آنجا که هشداردهنده است، از آنجا که خواستار پی‌گیر و وجدان سوسیالیستی انقلاب است، آماج نفرت، پی‌گرد و هرزه‌درایی دشمنان آشکار و نهان انقلاب و پرولتاریاست.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند سرمایه‌دارانی که از هراس از کف رفتن خزانه‌هایشان بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند خرده‌بورژواها، افسران، سامی‌ستیزان، همانا ریزه‌خواران و گماشتگان بورژوازی، که از هراس از کف رفتن دیگچه و نواله‌شان در پناه سلطه‌ی طبقاتی بورژوازی بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! فریاد می‌زنند شایدمان‌هایی که همچون یهودای اسخریوطی کارگران را به بورژوازی فروخته‌اند و از هراس از کف رفتن پیشیزی که بهای سلطه‌ی سیاسی‌شان است، بر خود می‌لرزند.

مصلوبش کنید! تکرار می‌کنند پژواک‌وار این فریادها را، کارگران و سربازان فریب‌خورده، خیانت‌شده و به بدسگالی دچارآمده‌ای که نمی‌دانند خشم‌شان علیه **اتحاد اسپارتاکوس**، بیشتر خشمی است در گوشت و خون خویش.

در نفرت، در هرزه‌درایی علیه **اتحاد اسپارتاکوس**، متحد شده است همه‌ی آنچه ضد انقلابی است، دشمن مردم است، ضد سوسیالیست است، عاری از صراحت، گریزان از روشنایی و تیره و تار است. چنین است که آشکار می‌شود در اوست، [در **اتحاد اسپارتاکوس** است] که قلب انقلاب می‌تپد، که آینده از آن اوست.

اتحاد اسپارتاکوس حزبی نیست که بخواهد از فراز توده‌ی کارگران یا به دستاویز آنان به حکومت برسد. اتحاد اسپارتاکوس فقط بخش آگاه‌به‌هدف پرولتاریاست که وظایف تاریخی را در هر گام توده‌ی عظیم پرولتاریا در کل گستره‌اش، یادآور می‌شود؛ بخشی از پرولتاریاست که در هر مرحله‌ی معین از انقلاب، هدف سوسیالیستی نهایی را، و در همه‌ی مسائل ملی، منافع انقلاب جهانی پرولتاریایی را نمایندگی می‌کند.

اتحاد اسپارتاکوس مشارکت در حکومت و هم‌کاسه‌گی با گمادگان بورژوازی، شایدمان - اپرت، را رد می‌کند، زیرا در چنین همکاری‌ای، خیانت به اصول بنیادین سوسیالیسم، نیرومندسازی ضد انقلاب و فلج کردن انقلاب را می‌بیند.

اتحاد اسپارتاکوس همچنین به‌دست‌گرفتن قدرت را رد می‌کند، آن هم نه تنها از این رو که شایدمان - اپرت ورشکست شده‌اند و مستقل‌ها در همکاری با آنها به آخر خط و بن‌بست رسیده‌اند [و قدرت سهل‌الوصول شده است].

اتحاد اسپارتاکوس هرگز و به هیچ شیوه‌ی دیگر عنان قدرت دولتی را بدست نخواهد گرفت مگر از طریق اراده‌ی آشکار و بی‌اما و اگر اکثریت عظیم توده‌ی پرولتاریا در آلمان، نه هرگز به شیوه‌ی دیگری جز به اعتبار و با تأیید آگاهانه‌ی پرولتاریا نسبت به دیدگاه‌ها، هدف‌ها و شیوه‌های مبارزاتی **اتحاد اسپارتاکوس**.

انقلاب پرولتری تنها می‌تواند مرحله به مرحله، گام به گام، از مسیر جُلجُتای تجربیات تلخ خویش و از مجرای شکست‌ها و پیروزی‌ها به روشنایی و روشن‌بینی کامل و بلوغ دست یابد.

پیروزی **اتحاد اسپارتاکوس** در آغاز انقلاب نیست، در انتهای آن است، پیروزی **اتحاد اسپارتاکوس** همانا پیروزی توده‌های میلیونی و انبوه پرولتاریای سوسیالیست است.

پا خیز، پرولتاریا! پیش به سوی نبرد. در این واپسین مبارزه‌ی طبقاتی تاریخ جهان بر سر والاترین هدف‌های بشریت، سخن یکی است و بس: چنگ بر چشمان دشمن، زانوان بر سینه‌اش!

* منبع: این نوشته نخستین بار در شماره‌ی 29 نشریه‌ی «پرچم سرخ» (در برلین) به تاریخ 14 دسامبر 1918 زیر عنوان «Was will der Spartakusbund?» منتشر شده است. برگرفته از:

<https://www.marxists.org/deutsch/archiv/luxemburg/1918/12/waswill.htm>

لینک کوتاه شده در سایت «نقد»: <https://wp.me/p9vUft-H5>